

Islamic Knowledge and Insight

Analysis of the Exegesis of the Verse “Today I Have Perfected for You Your Religion” and Its Impact on the Concept of the Guardianship of the Ahl al-Bayt (‘a)

1. Sadrallah Jamshidi: PhD Student, Department of Theology and Islamic Studies, Kaz.C., Islamic Azad University, Kazerun, Iran
2. Mohammadmehdi Rezvani*: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran. (Email: mehdi.rhs@iaua.ac.ir)
3. Mohsen Zarei: Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Kaz.C., Islamic Azad University, Kazerun, Iran

Abstract

The blessed verse “Today I have perfected for you your religion” is considered one of the most prominent verses of the Holy Qur’an, which has always held a special place among Muslims, both Shia and Sunni. This article aims to examine various exegetical interpretations of this verse and analyze its impact on the concept of the Guardianship (wilāyah) of the Ahl al-Bayt (‘a). First, the historical context and circumstances of the verse’s revelation are studied. Then, different interpretations—including those of Ibn Kathīr and other exegetes—are analyzed. Subsequently, the relationship between this verse and the discussions of Guardianship and Imamate of the Ahl al-Bayt (‘a), as well as its influence on the formation of the Islamic community, are explored. In addition, narrations (ḥadīths) associated with this verse are examined, critiqued, and evaluated to assess their authenticity and reliability. Finally, through synthesizing the findings, the role of this verse in shaping the understanding of the Guardianship of the Ahl al-Bayt (‘a) throughout Islamic history is discussed and analyzed. The interpretive ambiguities present in this verse have enabled various Islamic schools of thought to offer different understandings based on their respective doctrines and teachings. These exegetical divergences have led to the emergence of differences and diversity of viewpoints among Muslims, contributing to the broader spectrum of religious pluralism within the Islamic world.

Keywords: Verse of Perfection, Guardianship of the Ahl al-Bayt, Ghadīr Khumm, Qur’anic Exegesis, Islamic History, Shia, Sunni



How to cite: Jamshidi, S., Rezvani, M., & Zarei, M. (2026). Analysis of the Exegesis of the Verse “Today I Have Perfected for You Your Religion” and Its Impact on the Concept of the Guardianship of the Ahl al-Bayt (‘a). *Islamic Knowledge and Insight*, 4(1), 1-17.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 16 June 2025

Revise Date: 23 September 2025

Accept Date: 29 September 2025

Initial Publish: 04 October 2025

Final Publish: 21 April 2026

معرفت و بصیرت اسلامی

تحلیل تفسیر آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» و تأثیر آن بر مفهوم ولایت اهل بیت (ع)

۱. صدرالله جمشیدی: دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران
۲. محمد مهدی رضوانی*: استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (پست الکترونیک: mehdi.rhs@iaua.ac.ir)
۳. محسن زarei: استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران

چکیده

آیه مبارکه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» از برجسته‌ترین آیات قرآن کریم محسوب می‌شود که همواره جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، داشته است. این مقاله با هدف بررسی تفسیرهای مختلف این آیه و تحلیل تأثیر آن بر مفهوم ولایت اهل بیت (ع) تدوین شده است. در ابتدا، زمینه نزول و پیشینه تاریخی آیه مورد مطالعه قرار گرفته و سپس تفاسیر گوناگونی همچون تفسیر ابن کثیر و سایر مفسران بررسی شده‌اند. پس از آن، رابطه این آیه با مباحث ولایت و امامت اهل بیت (ع) و تأثیرات آن در شکل‌گیری جامعه اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. همچنین، روایات مرتبط با این آیه تحلیل، نقد، و ارزیابی شده‌اند تا به اعتبار و درجه صحت آن‌ها پرداخته شود. نهایتاً، از طریق جمع‌بندی یافته‌ها، نقش این آیه در تفسیر و درک مفهوم ولایت اهل بیت (ع) در تاریخ اسلامی بررسی و تحلیل شده است. ابهامات موجود در این آیه به مذاهب اسلامی امکان داده که بر اساس اعتقادات و آموزه‌های خود، برداشت‌های گوناگونی ارائه کنند. این تفاوت‌های تفسیری منجر به بروز اختلافات و تنوع دیدگاه‌ها در میان مسلمانان شده و به گسترش تنوع مذهبی در جهان اسلام کمک کرده است.

کلیدواژه‌ها: آیه اکمال، ولایت اهل بیت، غدیر خم، تفسیر قرآن، تاریخ اسلام، شیعه، سنی

شیوه استناددهی: جمشیدی، صدرالله، رضوانی، محمد مهدی، و زarei، محسن. (۱۴۰۵). تحلیل تفسیر آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» و تأثیر آن بر مفهوم ولایت اهل بیت (ع). *معرفت و بصیرت اسلامی*, 4(1), 1-17.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۶ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۷ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۲ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: اردیبهشت ۱۴۰۵

مقدمه

آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» از آیات برجسته و مهم قرآن کریم به‌شمار می‌رود که همواره مورد توجه ویژه مفسران و عالمان اسلامی بوده است. این آیه که در سوره مائده ذکر شده، به دلیل پیوند عمیقی که با مسئله ولایت اهل بیت (ع) دارد، در مباحث کلامی و فقهی از جایگاه والایی برخوردار است. هم در میان شیعه و هم در میان اهل سنت، این آیه به همراه روایات وابسته به آن، منبعی برای تفسیرهای مختلف درباره معنای «کامل شدن دین» و نقش و جایگاه ولایت اهل بیت (ع) بوده است.

هدف این پژوهش، تحلیل جامع و دقیق تفسیرهای گوناگون از آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» و بررسی تأثیر آن بر درک مفهوم ولایت اهل بیت (ع) در بستر تاریخ اسلام است. در این مسیر، اهداف پژوهشی زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

بررسی تفسیرها و دلایل آن‌ها:

- تحلیل و بررسی تفاسیر ارائه‌شده پیرامون موضوع؛
- مرور و مقایسه دلایل مطرح‌شده در تفسیرهای مختلف.

جایگاه ولایت اهل بیت (ع) در تفاسیر:

- بررسی نحوه بهره‌گیری شیعه و سنی از این آیه برای تأیید یا رد ولایت اهل بیت (ع)؛
- گردآوری روایاتی که به‌عنوان سندی برای اثبات ولایت اهل بیت (ع) به این آیه ارجاع داده شده‌اند؛
- ارزیابی و تحلیل نقدها و ایرادهایی که بر این روایات وارد گردیده است.

این پژوهش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا به درک عمیق‌تر از قرآن، حل اختلافات مذهبی، تقویت وحدت اسلامی و شناسایی جایگاه اهل بیت (ع) کمک کرده و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای بین‌مذهبی خواهد بود.

برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته می‌شود. در این شیوه، پس از گردآوری داده‌ها از منابع معتبر اسلامی مانند قرآن، روایات، تفاسیر و تاریخ اسلام، این داده‌ها مورد

تحلیل و تفسیر قرار خواهند گرفت. علاوه بر این، از روش مقایسه‌ای نیز برای بررسی اختلافات میان تفاسیر گوناگون استفاده می‌شود. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل مطالعه تفاسیر مختلف از دیدگاه‌های شیعه و سنی، بررسی روایات مرتبط با آیه اکمال، تحلیل آثار تاریخی و کلامی، و مرور مقالات و تحقیقات پیشین است. همچنین ابزارهایی چون تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان و تحلیل تاریخی برای پردازش و بررسی داده‌ها به کار گرفته شده‌اند.

پیشینه

اسماعیلی زاده و غلامی در مقاله‌ای با عنوان "نقش سیاق در تفسیر آیه اکمال" (۱۳۹۳) به تحلیل آیات مرتبط با ولایت، عصمت، و برتری حضرت علی (ع) پرداخته‌اند. از میان این آیات، آیات ولایت، تبلیغ، و اکمال (آیات ۵۵، ۶۷، و ۳ سوره مائده) از شهرت بیشتری برخوردارند و همواره مورد توجه موافقان و نیز محل ایراد مخالفان بوده‌اند. در این مقاله، نویسندگان بر سیاق آیه و تأثیر آن در وضوح معنی تمرکز کرده‌اند. با توضیح اینکه پیوستگی نزول شرط لازم برای اعتبار سیاق نیست، به بررسی عدم استقلال نزول آیه پرداخته و نشان داده‌اند که این موضوع با توجه به سیاق داخلی آیه، آیات مجاور، و ارتباط آن با سیاق کلی سوره قابل اثبات است (Esmailizadeh, 2014 & Gholami).

نजारزادگان فتح‌الله در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تطبیقی تفسیر آیه اکمال با تأکید بر نقد مناقشات درباره دیدگاه شیعه" (۱۳۸۷) به تحلیل علت و روز نزول آیه اکمال پرداخته است. این مقاله اختلاف نظر میان علمای شیعه و سنی درباره این آیه را بررسی کرده و تلاش دارد دیدگاه اهل سنت در پذیرش نزول این آیه درباره ولایت امام علی (ع) را منعکس کند. نویسنده معتقد است که تنها فخر رازی توانسته از طریق نقد متن (بدون بهره‌گیری از احادیث) دیدگاه شیعه را رد کند. با این حال، تأکید دارد که نقد فخر رازی ناشی از برداشت نادرست او از استدلال‌های شیعه بوده است (Najjārzādagān & Fathullah, 2008).

محمدی روح‌الله در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تطبیقی آیه اکمال از دیدگاه فخر رازی و علامه طباطبایی (ره)" (۱۴۰۱) مسئله رهبری جامعه پس از پیامبر (ص) را به‌عنوان یکی از مباحث مهم و مورد اختلاف میان اندیشمندان اسلامی مطرح کرده است. او با روش توصیفی-تحلیلی به مقایسه دیدگاه‌های فخر رازی و علامه طباطبایی درباره این آیه پرداخته تا ضمن تبیین مبانی هر یک، به نقاط اشتراک و افتراق آنان اشاره کند. وی همچنین نقدهایی بر مناقشات پیرامون این آیه ارائه داده است. پژوهش نشان می‌دهد که هر دو اندیشمند در برخی جنبه‌ها، مانند نوع نگاه متنی به آیه، اشتراک نظر دارند؛ اما در تفسیر واژه "الیوم"، علت و زمان نزول، و دلالت آیه اختلاف نظر دارند (Fakhr). از مهم‌ترین مبانی فخر رازی می‌توان به اتکای او به سیاق و مباحث ادبی، استناد به قول صحابه و تابعین بدون در نظر گرفتن روایات مخالف، حجیت اجماع، و اعتقاد به نبود نص صریح برای تعیین امام اشاره کرد. در مقابل، علامه طباطبایی بر مبانی چون حجیت سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، وجوب وجود نص در تعیین امام، توجه ویژه به روایات صحیح درباره اسباب نزول و انحصار دلالت آیه بر حضرت علی (ع) تأکید داشته است. (Mohammadi, 2022).

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِيْمَانِهِ فِإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) امروز دینتان را به کمال رساندم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما به عنوان دین، پسندیدم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم و هر کسی دچار گرسنگی شود بی آنکه به گناه متمایل باشد اگر از آنچه منع شده است بخورد بی تردید خدا آمرزنده مهربان است (Rasouli Karharoudi, 2021).

آیه در (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) هذه اكبر نعم الله، على هذه الأمة، حيث أكمل تعالى لهم دينهم

بزرگترین نعمت خداوند بر این امت است، زیرا خداوند دینشان را کامل کرده و به دینی غیر از آن و پیامبری غیر از پیامبر (ص) خودشان

نیاز ندارند، به همین دلیل است که خداوند او را خاتم انبیا قرار داده او را برای انس و جن ارسال کرده است (تفسیر ابن کثیر، قران العظیم، صفحه ۵۷۸)، پس هیچ حلالی نیست مگر آنچه او حلال کرده است و هیچ حرامی نیست اگر آنچه او حرام کرده است؛ و هیچ دینی نیست و مگر دینی که او تشریح کرده است. او به هر چیزی که اطلاع دهد حق و راست است و دروغ و بد عهدی در آن وجود ندارد (Ibn Kathir) همانگونه که فرموده است « تمت كلمت ربك صدقاً وعدلاً و سخن پروردگارت به راستی و داد سر انجام گرفته است)، انعام (۱۱۵) (Valizadeh, 2017) یعنی اخباری که می‌آورده است راست است و نسبت به اوامر و نواهی عدل است. زمانی که خداوند دین را برای آن‌ها کامل کرد نعمت برای آن‌ها کامل شد؛ و لهذا قال تعالی (اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم رضيت لكم الإسلام دينا) یعنی این دین را خود برای خود بپذیرید زیرا این همان دینی است که خداوند و دوستان او آن را پذیرفتند و خداوند در این دین بهترین پیامبرانش را ارسال کرد و شریف‌ترین کتابهایش را در این دین نازل کرد.

قال: علي بن ابن طلحة، عن ابن عباس قوله: (اليوم اكملت لكم دينكم) (وهو الإسلام أخير الله نبيه (ص) والمؤمنين أنه قد أكمل لهم الايمان؛ كما فلا يحتاجون إلى زيادة أبداً، وقد أتمه الله فلا ينقصه أبداً، وقد رضيه الله فلا يسخطه أبداً وقال اسباط عن السدي: (Ahmadi Veysi Rad, 2016) نزلت هذه الآية يوم عرفة؛ فلم ينزل بعد ما حلالاً و لا حراماً و رجع رسول الله (ص) فمات، قالت اسماء بنت عميس حججت مع رسول الله (ص) تلك الحجّة، فبينما نحن نسير اذ تجلى له جبرئيل فما رسول الله على الراحلة؛ فلم تطق الراحلة من ثقل ما عليها من القرآن، فبركت فأتية فسحت عليه برداً كان على) (Ali Khan, 2017). علي بن طلحة از ابن عباس نقل کرده است که منظور از آیه (اليوم الاكملت لكم دينكم) همان اسلام است و خداوند به پیامبرش و مومنین با این آیه خیر داده است که ایمان را برای آن‌ها کامل کرده است و به بیش از آن احتیاجی ندارد و خداوند آن را کامل کرد و هرگز آن را ناقص نخواهد کرد و (Ibn Kathir)

شما در کتاب خود آیه‌ای را می‌خوانید اگر این آیه بر ما یهودیان نازل می‌شده آن روز را روز عید اعلام می‌کردیم و عمر گفت کدام آیه؟ گفته آیه (اليوم اكملت لكم دينكم و اُسمت عليكم نعمتي) ۱ عمر گفت: و بخدا سوگند من روز و ساعتی که این آمد پر پیامبر نازل شد، را می‌دانم. این آیه در شامگاه روز عرفه در روز جمعه نازل شد، (Ibn Kathir).

ورواه البخاری عن الحسن بن الصباح، عن جعفر بن عون به، ورواه أيضاً مسلم و الترمذی و النثایة من طرق عن قيس بن مسلم به، ولفظ البخاری عند تفسير هذه الآية من طريق سفیان الثوری، عن قيس، عن طارق قال: اليهود لعمر: إنکم تقرؤون آیهه؛ لو نزلت فینا (Ibn Kathir).

بخاری از حسن بن صباح از جعفر بن عون به این سند روایت را نقل کرده است. همچنین مسلم و ترمذی و نثایی از قیس بن مسلم با این سند نیز روایت را نقل کرده است و بخاری در تفسیر این آیه به سند سفیان سوری از قیس از طارق این گونه نقل کرده است که یهودی به عمر گفت شما آیه‌ای را می‌خوانید که اگر این آیه به ما نازل میشد آن روز را روز عید می‌داشتیم عمر گفت روزی که این آیه نازل شد را می‌دانم و می‌دانم که کجا نازل شد همچنین می‌دانم زمانی که آن نازل شد پیامبر در کجا بود. این آیه در روز عرفه نازل شد و به خدا سوگند ما در آگاهی هستیم • سفیان گفته است شک دارم که روز عرفه در روز جمعه بوده است یا خیر و (آیه آلایوم اکملت لکم دینکم) شک سفیان رحمه الله اگر در روایت باشد نوعی پرهیز است، زمانی که شک کرد آیا شیخ او این روایت را برای او نقل کرده است یا خیر این چیزی است که گمان می‌کنم از جانب ثوری رحمه الله باشد، زیرا این امری است که مورد قطع و معلوم است. هیچ‌یک از افرادی که در غزوات بودند و افرادی که همراه پیامبر بودند و دیگر فقها در این مسئله اختلاف نظراً ندارند. این باب احادیث زیادی وارد شده است که در صحت آن‌ها شکمی وجود ندارد و خداوند داناتر است (Ibn Kathir).

اسباط از سدی روایت کرده‌ای که این آیه در روز عرفه نازل شده است و بعد از آن حلال و حرامی نازل نخواهد شد (Ibn Kathir) و پس از بازگشت از این حج پیامبر اکرم (ص) فوت کرد، اسماء بنت عمیس گفته است با پیامبر اکرم در آن حج بودیم در حالی که در مسیر بودیم جبرئیل بر پیامبر نازل شد پیامبر اکرم که بر مرکب خود سوار بود به یک طرف مایل شد.

مرکب به خاطر سنگینی که از قرآن بر او بود توان ثبات را نداشته و در جا نشست به نزد پیامبر آمدم و روپوشی که بر تن داشتم را بر او انداختم (Ibn Kathir)

قال ابن جریح و غیر واحد مات رسول الله (ص) بعد یوم عرفه بأحد وثمانین یوما، ورواهما ابن جریرة ثم قال: حدثنا سفیان بن وکیع، حدثنا ابن فضیل، عن هارون بن عنترة، عن ابيه قال: (لما نزلت (أَلْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) ذالک یوم الاکبر (Ibn Kathir) ابن جریح و دیگر افراد نقل کرده اند که پیامبر اکرم پس از روز عرفه به فاصله هشتاد و یک روز فوت کرده ابن جریر این روایت را نقل کرده است

سفیان بن وکیع از ابن فضیل از هارون بن عنترة از پدرش نقل کرده است به که زمانی که آیه (أَلْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) نازل شد روز بزرگترین حج است. عمر گریه کرد پیامبر به او گفت چه چیز باعث گریه تو شده است؟ گفت چیزی که موجب گریه من شده این است که ما پیوسته در دین خودمان رو به زیادتی می‌رفتیم و اما چون دین کامل شد هیچ چیز نیست که کامل شود مگر این که نقصان می‌پذیرد (Ibn Kathir).

فرمود: به راست گفتمی، حدیث ثابت این معنا را تأیید می‌کند اسلام غریبانه آغاز شد و بزودی همچون ابتدای خود غریب خواهد شده پس خوشا به حال غریبان (Ibn Kathir) وقال امام احمد حدثنا جعفر بن عون، حدثنا ابو المعیس، عن قيس ابن مسلم عن طارق بن شهاب قال جا رجلا من اليهود الى عمر بن الخطاب رضی الله عنه، فقال: يا امیر المونین عرفه فی یوم جمعة: امام احمد گفته است و جعفر بن عون از ابو عمیس از قیس بن مسلم از طارق بن شهاب نقل کرده است مردی از یهودیان نزد عمر بن خطاب رفت و گفته‌ای امیر مومنان

سلیمان عن أبی عمر البزاز، عن ابن الحنفیة، عن علی رضی الله عنه قال نزلت هذه الآية علی رسول الله (ص) وهو قائم عشبہ عرفه: (Ibn Kathir).

ابن مردویه از احمد بن کامل از موسی بن هارون از حس بحسن بن هارون از یحیی بن همانی از قیس بن ربیع از اسمائیل بن سلمان من هاله‌ای از ابی عمیر بزار عمر بزار از

ابن حنفیه از علی رضی الله عنه نقل کرده است که علی گفت: این آیه (الیوم اکملت لکم دینکم) بر پیامبر اکرم در حالی نازل شده است در حالی که ایشان به نماز عشاء روز عرفه ایستاده بود نازل شد. (Ibn Kathir)

وقال ابن جریر: حدثنا ابو عامر اسمائیل بن عمر و السکونی، حدثنا هشام بن عماره، حدثنا ابن عیاش، حدثنا عمرو بن فیس السکونی، انه سمع معاویه بن ابی سفیان علی المنبر ینتزع بهذا لایه (الیوم اکملت لکم دینکم حتی حتمها، فقال: نزلت فی یوم عرفه، فی یوم جمعه، ابن جریر گفته است، ابو عامر اسما عیل بن عمر و سکونی از هشام بن عمار از ابن عیاش از عمرو بن فیس سکونی نقل کرده است که او شنیده که معاویه بن سفیان بر روی منبر این آیه را در الیوم اکملت لکم دینکم تا آخر خوانده است و گفت این آیه در روز عرفه و در روز جمله نازل شده است (Ibn Kathir).

فاما مارواه ابن جریر و ابن مردویه والطبرانی من طریق ابن لهیعه عن خالد بن ابی عمران، عن حنش بن عبدالله الصنعانی عن ابن عباس قال: ولد نیکم یوم الاثنین و نبی ال یوم الاثنین و خرج من مکه یوم الاثنین و دخل المدینة یوم الاثنین و انزلت سورة المائدة یوم الاثنین، (الیوم اکملت لکم دینکم) و رفع الذکر یوم الاثنین، فانه اثر الغریب و اسناده ضعیف ابن جریر و ابن مردویه والطبرانی من طریق ابن لهیعه عن خالد بن ابی عمران، عن حنش بن عبدالله الصنعانی عن ابن عباس نقل کردند: (Ali Khan, 2017) پیامبر شما در روز دوشنبه به دنیا آمد و در روز دوشنبه به پیامبری رسید و در روز دوشنبه از مکه خارج شد و در روز دوشنبه وارد مدینه شد و روز دوشنبه سوره مائده نازل شده است و (الیوم اکملت لکم دینکم) همچنین در روز دوشنبه نیز این

و قال ابن جریر حدثنی یعقوب بن ابراهیم، حدثنا ابن علیة، أخبرنا رجاء بین ابن سلمیة، أخبرنا عبادة بن نسی، أخبرنا امیرنا اسحاق - قال ابو جعفر بن حریر: هو اسحاق بن خراشة - عن قبیصة - یعنی ابن ذرئب قال - قال کعب: لو أن غیر هذه الامة نزلت علیهم هذه الایة، لظنوا فیہ الیوم الذی انزلت فیہ علیهم، فاتخذوه عیدا یجتمعون فیہ. فقال عمر: ای آیه باک عب؟ فقال: (الیوم اکملت لکم دینکم). فقال عمر: قد علمت الیوم الذی أنزلت فیہ، والمکان الذی انزلت فیہ، نزلت فی یوم جمعه، و یوم عرفه، و کلاهما بحمد الله لنا عید. ابن جریر گفته است به یعقوب بن ابراهیم از ابن علیة از رجاء بن ابی سلمه از عباده ابن نسی از امیر ما اسحاق نقل کرده است که ابو جعفر بن جریر که همان اسحاق بن خراشه است از قبیصه نقل کرده است که کعب گفته است اگر این آیه بر امت دیگری نازل می شد به روزی که این آیه بر آن ها نازل شده است توجه می کردند وان را بعنوان عیدی تلقی می کردند که در آن دور هم جمع می شدند

عمر گفته است منظور تو کدام آیه است، ای کعب؟ گفت منظورم آیه (الیوم الملت لکم دینکم) عمر گفته است روز و مکانی که این آیه در آن نازل شده است را می دانم. این آیه در روز جمعه و روز عرفه نازل شده است به حمد خداوند هرد و این روزها برای ما عید است (Ibn Kathir).

وقال ابن جریر: حدثنا ابو کریب، حدثنا قبیصة، حدثنا حمار بن سلمة، عن عمار، هو مولی بنی هاشم، أن ابن عباس قوا: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا) فقال یهودی: لو نزلت هذه الایة علینا لا اتخذنا یومها عیداً، ابن جریر گفته است:

که ابن عباس آیه (الیوم اکملت دیناً) را خواند فردی یهودی گفت: اگر این آیه بر ما نازل می شد آن روز را روز عیدی داشتیم و ابن عباس گفت به این آیه در روزی نازل شد که دو عید در آن است روز عید عرفه و روز عید جمعه (Ibn Kathir).

و قال ابن مردویه: حدثنا احمد بن کامل، حدثنا موسی بن هارون، حدثنا یحیی بن الحمانی، حدثنا فیس بن الربیع، عن اسمائیل بن

روایت ذکر شده اما این روایت عجیب و سند آن نیز ضعیف است (Ibn Kathir).

و قد رواه و امام الاحمد: حدثنا موسى بن داود حدثنا ابن لحيه؛ عن خالد بن ابي عمران؛ ان حنش صنعاني؛ عن ابن عباس قال: ولد النبيكم يوم الاثنين؛ واستبني يوم الاثنين؛ و خرج مهاجرة من مكة الى المدينة يوم الاثنين و قدم المدينة يوم الاثنين و توفي يوم الاثنين؛ و وضع الحجر الاسود يوم الاثنين. هذا لفظ احمد: ولم يذكر نزول المائدة يوم الاثنين؛ فالله اعلم؛ و ولعلي ابن عباس اراد ان نزلت يوم ايدى اثنى عشر كما تقدم؛ فاشبهه على الراوي؛ والله اعلم (Valizadeh, 2017). امام احمد نقل کرده است که موسی بن داوود؛ از ابن لیه؛ از خالد ابن ابی عمران؛ از حنش صنعانی از ابن عباس نقل کرده است که پیامبر در روز دوشنبه به دنیا آمد روز دوشنبه به نبوت رسید روز دوشنبه از مکه به مدینه مهاجرت کرد و در روز دوشنبه به مدینه رسید و در روز دوشنبه از دنیا رفت و در روز دوشنبه حجرالاسود را در جای خود قرار داد این متن روایت از احمد است و نگفته است که سوره مائده در روز دوشنبه نازل شده و خداوند داناتر است شاید ابن عباس خواسته است که این ای هدر روزی که دو عید در آن است نازل شده است. همان گونه که قبلاً اشاره شد و برای راوی شبهه ایجاد شده است؛ و خداوند داناتر است (Ibn Kathir)

و قال ابن جرير و قد قيل: ليس ذالك به يوم معلوم عند الناس، ثم رويه من طريق اوفى عن ابن عباس في قوله: (اليوم اكملت لكم دينكم) يقول ليس ذالك بيوم معلوم عند الناس قال: و قد قيل: انها نزلت على رسول الله في مسيره الى حجة الوداع. ثم رواج من طريق ابى جعفر الرازي، عن ربيع ابن انس. قلت: و قد رويه ابن مردويه من طريق ابى هارون العبدى، ان ابى سعيد الخدرى، انها نزلت على رسول الله (ص) يوم غدیر خم حين قال لعلی (من كنت مولاه فعلى مولاه)، ثم رواج عن ابى حريه و فيه؛ انه اليوم الثامن عشر من ذى الحجة يعنى مرجع ع من حجة الوداع (Ibn Kathir). ولا يصح هذا ولا هذا، بل الصواب الذى لا شك فيه ولا مرية، انها انزلت يوم عرفه و كان يوم جمعه، كما رويه ذلك اميرالمومنين عمر بن

خطاب و على بن ابى طالب و اول ملوك الاسلام معاويه ابى سفيان و ترجمان القرآن عبدالله ابن عباس و سمره بن جندب، رضى الله و ارسله عامر الشعبي و قتاده بن دعامة و شهر بن حوشب، غير واحد من الائمة والعلماء و اختاره ابن جرير طبرى، رحمت الله عليه (Ibn Kathir).

ابن جرير گفته است، نقل شده است که روز نازل شدن آیه در نظر مردم معلوم نیست سپس به سند عوفی از ابن عباس در مورد آیه (الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) نقل کرده است که این روز در نظر مردم معلوم و مشخص نیست. همچنین گفته که نقل شده است، این آیه بر پیامبر اکرم در حالی که در مسیر حجت الوداع بود نازل شده است. سپس این روایت را به سند ابن جعفر رازی ربیع بن انس نقل کرده است. گفتم ابن مردویه به سند ابی هارون عبدی از ابی سعید خدری نقل کرده است؛ که این آیه در روز غدیر خم بر پیغمبر نازل شده است؛ یعنی زمانی که پیامبر به علی گفت، هر کس که من مولای اویم علی نیز مولای او است. سپس این روایت را از ابوحریره نقل کرده است و قابل ذکر است که این روز، روز، هجدهم از ذی الحجه بوده یعنی زمان بازگشت پیامبر از حجت الوداع؛ اما این نظر و نظر دیگر صحیح نیست بلکه نظر درست شبهه‌ای در آن وجود ندارد که این آیه در روز عرفه که در جمعه بوده نازل شده است. همانطور که امیرالمومنین عمر بن خطاب و علی بن ابی طالب و اولین پادشاه مسلمانان معاویه بن ابی سفيان و ترجمان قرآن عبدالله بن عباس و سمره ابن جندب رضى الله عنهما نقل کرده‌اند (Ibn Kathir) عامر شعبی از قتاده بن دعامة و شهر بن حوشب و افراد دیگری از ائمه و علما به صورت مرسل نقل کرده‌اند، رضى جرير طبرى این نظر را برتر دانست، (قرآن العظيم، ابن كثير دمشقى، صفحه ۵۸۰؛ ۱۴۱۹م - بيروت لبنان) مطالعه و نقد و بررسی اقوال مفسرين و علما در تفسير الميزان طباطبائي سوره مائده آیه ۳ در كتاب غايت المرام از كتاب فضائل على ع و او از ابى المويد؛ موقف بن احمد و او از سيد الحفاظ شهردار ابن شيرويه، فرزند شهردار ديلى نقل کرده که وی از همدان نامه‌ای به من نوشت و در آن نوشته بود که ابوالفضل عبدوس بن عبدالله بن عبدوس

همدانی در نامه‌اش به من نوشت که عبدالله بن اسحاق بغوی برایم حدیث کرد، چه حسین بن علیل غنوی برایم حدیث کرده که محمد بن عبدالرحمن زارع برایم حدیث کرد که قیس بن حنس برایم روایت کرد که علی بن الحسین برایم نقل کرد که ابوهریره از ابی سعید خدری برایم نقل کرد: که رسول خدا (ص) در آن روزی که مردم را به جمع شدن در غدیر دعوت فرمود، دستور داد زیر درختی را که در آنجا بود از خار و خاشاک برویند و آن روز روز پنجشنبه بود، همان روز که مردم را به سوی پیروی از علی(ع) دعوت نمود، بازوی او را گرفت و بلند کرد، به طوری که مردم سفیدی زیر بغل آن جناب را دیدند و این دو از یکدیگر جدا شدند تا اینکه آیه شریفه، (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ وَ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا)، نازل گردید پس رسول خدا (ص) به مؤذگانی اینکه دین به حد کمال رسید، نعمت خدا تمام شد و پروردگار از رسالتش و از ولایت علی راضی شد، الله اکبر گفت، سپس گفت، اللهم و آل من والاه و آدم من آداه و انصر من نصره و اخذل من خذله) (Ibn Kathir) و نیز از کتاب (نزول القرآن) حدیثی بدون ذکر اوایل سند از علی بن عامر از ابی الحجاج از عمش از روایت آورده که این آیه شریفه یعنی آیه (ایها الرسول بلغ ما انزل الیک)^۱ درباره علی بن ابیطالب بر پیامبر نازل شده است و در همین خصوص است که خدای تعالی می‌فرماید (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي) (Dāstānī, 2014)، علامه طباطبایی، جلد پنجم از کتاب مناقب الفاخره، تالیف رضی (رحمت) از محمد بن اسحاق از ابی جعفر از پدرش از جدش روایت کرده که گفت بعد از آنکه رسول خدا (ص) از کار حجت الوداع فارغ شد در مراجعه در سرزمینی که آن را زوجان می‌گفتند پیاده شد، در آنجا بود که آیه شریفه (ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ان لم تفعل فما بلغت رساله و والله یعسمک من الناس) نازل شد، همین که مصونیتش از شهر و دشمنی مردم نازل شد، ندا داد که الصلاه جامعه مردم برای نماز جمع شوید مردم همه

گردش جمع شدند، آنگاه فرمود، چه کسی نسبت به شما اختیاردارتر از خود شما است؟ صدای گریه از همه جا برخاست و گفتند، خدا و رسولش، پس آنگاه دست علی (ع) را گرفت و فرمود، هر کس که من مولای او بودم علی مولای اوست، بار الها دوست بدار کسی را که به او دوستی کند و دشمن بدار کسی را که با او دشمنی کند و یاری فرما کسی را که وی را یاری می‌کند و بیاور بگذار کسی را که از یاری او دریغ نماید، برای اینکه او از من است و من از اویم و او نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی است، با این تفاوت که بعد از من پیغمبری نخواهد بود (موسوی ۱۳۹۸) و این یعنی ولایت علی بن ابی‌طالب (ع) آخرین فریضه‌ای بود که خدای تعالی بر امت محمد (ع) واجب کرد؛ و بعد از این آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ وَ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا)، (Ibn Kathir). در تفسیر قمی است که پدرم از صفوان، بن یحیی از اعلا از محمد بن مسلم از امام باقر (ع) برایم نقل کرد که آخرین فریضه‌ای که خدای عز و جل نازل کرد. ولایت بود که بعد از آن دیگر هیچ فریضه‌ای نازل نشد به جز آیه شریفه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)، چه این آیه در محلی بنام بکرال غمیم نازل شده و رسول خدا (ص) مسئله ولایت را در حجت الوداع ابلاغ فرمود و بعد از آن که دیگر هیچ فریضه‌ای نازل نشد (Ibn Kathir) مطالعه و نقد و بررسی اقوال مفسرین و علما در تفسیر سور آبادی (تفسیر التفاسیر) سوره مائده آیه ۳ (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)، امروز من خبر کنم شما را که تمام کردم بر شما شرایع دین شما. سؤال، چون دین اسلام را آن روز تمام کرد واجب آمد که از پیش ناقص بود واجب آمد که زیادت و نقصان در ایمان روا بود. جواب گوئیم (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)، ای شرایع دینکم؛ و آن بود که پیش از آن هر روزی امرها و نهی‌ها می‌آمدی بر مسلمانان به ناسخ و منسوخ و آن روز مصطفی ((ص)) بر عرفات ایستاده بود که این آید فرود آمد، نیز از آن پس امر و نهی نیامد و آنکه گفت (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) نه

^۱ ای پیامبر تبلیغ کن آنچه که بر تو نازل شده است.

آن است که دین اسلام از پیش ناقص بوده آن روز تمام شد، زیرا که اگرچنین بودی یاران رسول که از پیش مرده و کشته بودند چون شهدای بدر و احد همه ناقص ایمان بودندی و رسول خدا ۸۱ روز تمام نبودی و این محال بود، پس این خبر بود که خدای تعالی ایشان را خبر کرد از تمامی دین ایشان، چنانکه کسی گویند امروز پیر گشتم و ضعیف گشتم، نه آن روز پیر و ضعیف شده بود و لکن آن روز من خبر کند (و اتممت علیکم نعمتی) و تمام کردم بر شما نکوداشت من به اوامر و نوحی و شرایع (و رضیت لکم الاسلام دیناً) و پسندیدم شمارا مسلمانی دینی کلبی گوید: این آیت آخر همه آیت‌ها فرود آمد، رسول از پس این آیت ۸۱ روز بیش نزیست، این آیه نعی مرگ رسول است. (تفسیر سوره آبادی نیشابوری، جلد اول، صفحه ۵۲۴) مولف: لذا آنچه در مورد آیه پیش آمده این است که قصاص پیامبر و حق الناس و عکاشه و داستان جبرئیل و میکائیل و فیض روح پیامبر بیان شده است.

زنجبه باعث گردید که مشرکان دیگر ناامید شدند و از بازگشت مسلمانان به دین اسلام ناامید گشتند فتح مکه بود زیرا که اکنون که اسلام فراخ گشته و مسلمانان انبوه گشتند و کار آنان بالا گرفت، ایشان ناامید شدند از فتنه کردن مسلمانان (فلا تخشوه هم و اخشوهم) شما که مسلمانان در منایعت دین محمد و در نصرت کردن وی از مشرکان نترسید، بلکه از من ترسید که خداوندم و امین باشید چه بر دین اسلام پس از این هیچ دین غالب نبوده (لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون)

(الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) این آیت روز آدینه فرود آمد، روز عرفه بعد از نماز دیگر مصطفی (ص) در حجت الوداع شهور سنت اشعره بر موقوف ایستاده بر ناقه عقباطارق بن شهاب گفت، مردی جهود فرا عمر خطاب گفت، شما آیتی می خوانید در کتاب خویش، اگر آن آتد به ما فرود آمدی، آن روز که فرود آمدی ما را عیدی عظیم بودی عمر گفت، کدام است گفت (الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) عمر گفت، من دانم که این آیت کدام روز و چه جایگاه فرود آمد. روز جمعه فرود آمد روز عید و ما یاران بودیم با رسول خدا به عرفات ایستاده

بودیم و به حمد، الله این هر دو روز ما را عید است و تا به قیامت مسلمانان را عید خواهد بود (Nazari, 2017)، هارون بن انترک روایت کرد از پدر خویش، گفت آن روز که این آیه فرود آمد عمر خطاب بگریست، رسول خدا گفت یا عمر چرا می گویی. گفت یا رسول الله دین خویش تا امروز زیادت بودیم، اکنون آیت آمد که دین سپری گشت و تمام شد و بعد از کمال جز نقصان نبود. رسول خدا گفت (صدقته یا عمری) پس از آن ۸۱ روز بزیست. ابن عباس گفت، رسول خدا در هجرت الوداع آنکه که برا در بود این آیت به وی فرود آمد (Maybudi).

(الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) این آیت روز آدینه فرود آمد، روز عرفه بعد از نماز دیگر مصطفی (ص) در حجت الوداع شهور سنت اشعره بر موقوف بر ناقه عقباطارق بن شهاب گفت، مردی جهود برا عمر خطاب گفت، شما آیتی می خوانید در کتاب خویش، اگر آن آید به ما فرود آمدی، آن روز که فرود آمدی ما را عیدی عظیم بودی عمر گفت، کدام است گفت (الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) عمر گفت، من دانم که این آیت کدام روز و چه جایگاه فرود آمد. روز جمعه فرود آمد روز عید و ما یاران بودیم با رسول خدا به عرفات ایستاده بودیم و به حمد، الله این هر دو روز ما را عید است و تا به قیامت مسلمانان را عید خواهد بود. هارون بن انترت روایت کرد از پدر خویش، گفت آن روز که این آیه فرود آمد عمر خطاب بگریست، رسول خدا گفت یا عمر چرا می گویی.

گفت یا رسول الله دین خویش تا امروز زیادت بودیم، اکنون آیت آمد که دین پری گشت و تمام شد و بعد از جز نقصان نبود. رسول خدا گفت (صدقته یا عمر) پس از آن ۸۱ روز به زیست. ابن عباس گفت، رسول خدا در هجرت الوداع آنکه که برا در بود این آیت به وی فرود آمد (Maybudi).

یستفتونک (قل الله یفتیکم فی له الکلاله و این آیت را آیت صتیف نام کردند پس چون در مکه شد این آیت فرود آمد؛ که (الیوم یاس الذین کفروا من دینکم) پس چون در عرفات به ایستاد دست به دعا برداشته این آیت فرود آمد که (الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) آن است

والارض) السنه اثنا عشر شهرا، منها اربعه حرم، ثلاثه متوالیات، ذوالقعدة و ذوالحجه و المحرم و رجب، شهرمضر الذی بین جمادی و شعبان و رضیت لکم الاسلام دینا. ای اخترت لکم الاسلام، فلیس دین ارضی عندالله عز و جل من آلاسلام، یقول الله عز و جل و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه (Al-Sa'di, 2020).

می گوید آن دین که شمارا پسندیدم و شمارا بدان افزودم اسلام است، و اصل آن ۵ چیز است، چنانکه مصطفی (ص) گفت، بنیه الاسلام علی خمس، شهادت ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله و اقامه الصلاه و ایت ا الزکاه و الحج و صوم الرضمان (Maybudi).

المناقب اهل سنت در تفسیر ثعلبی (تحلیل و تفسیر روایی آیه ۳۷ سوره بقره این نتیجه را می دهد که: ولایت اهل بیت از دیدگاه فریقین قابل بررسی و قبول میباشد ولی بسیاری به ان انکار میکنند.

تفسیر آیه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِینَكُمْ» از دیدگاه علما اهل سنت و شیعه

تفسیر ابن کثیر از آیه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِینَكُمْ»
ابن کثیر، مفسر برجسته اهل سنت، در تفسیر آیه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِینَكُمْ» و «وَأَتَمَّمْتُ عَلَیْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِینًا» (سوره مائده، آیه ۳) نظر و دیدگاهی ارائه می دهد که با برداشت شیعه از این آیه تفاوت دارد.

دیدگاه ابن کثیر:

ابن کثیر بر این باور است که این آیه به تکمیل شریعت اسلامی و رسیدن آن به نهایت کمال اشاره دارد. او اذعان دارد که با فتح مکه و خاتمه یافتن جنگ های بزرگ، اسلام به شکل جامع و کامل خود دست یافته و قوانین و احکام آن به صورت دائمی مشخص شده اند. به بیان دیگر، از نگاه ابن کثیر، این آیه به جانشینی پیامبر اکرم (ص) یا اعلان ولایت امیر المؤمنین علی (ع) مربوط نمی شود، بلکه بر تکامل شریعت اسلامی دلالت دارد (Alvārī, 2022).

دلایل ابن کثیر:

که امروز آن روز است که دین شمارا تمام کردم، احکام دین و شرایع اسلام سیر بردم. فرایض و سنن حلال و حرام پیدا کردم که پس از این هیچ حلال و حرام حدود و فرایض و احکام از آسمان فرود نیاید (Maybudi).

روایت کرده اند از عایشه که معراج رسول خدا (ص) پیش از هجرت بود به سجده ما و نماز پنجگانه شب معراج فریضه گردانیدند و بیش از آن چهار رکعت بیش نبود دوتا بامداد و دوتا شبانگاه، وقتی معین بر آن، نهاد، پس از هجرت به مدینه زکات واجب کردند و روزه ماه رمضان بعد از هجرت اندر سال دو واجب کردن اندر شعبان و فریضه حذف در سنه تسعه بود و فیه اختلاف علما و غسل جنابت همچنین. پس چون رسول خدا (ص) حجت الوداع کرد، این آیت فرود آمد (الیوم اکملت لکم دینکم) و پس از آن حلال و حرام نیامد؛ و گفته اند، کمال الدین آن است که رب العالمین هر چه پیامبران و امم پیشینه از علم حکمت، آن همه این امت را داد و بر ایشان بیفزود و شرایع انبیا منسوخ کرد و شریعت این امت تا به قیامت بپیوندد؛ و نسخ و تغییر در آن نشود و این امت به همه انبیا بگرویدند و تصدیق کردند و تفریق میان ایشان نیفکنند، چنان که دیگران کردند و حسنات این امت مضاعف گردانیدند و در ثواب بیافزودند که با دیگر امم نکردند. این است معنی کمال دین در آیت، ابوحنظله حداد گفته، کمال الدین در دو چیز است، در معرفت خدا و در اتباع سنت مصطفی (ص).

(Maybudi).

(واتممت علیکم نعمتی) می گوید، نعمت خود را بر شما تمام کردم و وعده چه کرده بودم از فتح مکه و قهر کفار نصرت بر دشمن؛ وفا کردم، به سر بردم. از این پس مشرکان را نیست که با شما حج کنند (الا لا یحج بعد العام مشرک، ولا یطوفون بالبيت عریان) و گفته اند کمال دین تمامی نعمت آن است که، حج کردن آن روز که این آیت آمد با روز عرفه افتاده بود حکم به محل خود رسیده و فریضه به وقت خود بازگشته، همچون، آن روز که رب العزه آسمان و زمین را آفرید و نسی که کافران نهادند باطل کرد؛ و خبر درست است که مصطفی (ص) آن روز گفت (ان الزما نقد استدار کهییه یوم خلق السماوات

روبرو بوده و بسیاری از مفسران و محققان با استناد به شواهد تاریخی و روایات گوناگون، آن را غیر قابل قبول می‌دانند.

تفسیر فخر رازی از آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»

فخر رازی، مفسر برجسته اهل سنت، در تفسیر خود موسوم به "التفسیر الکبیر" به بررسی این آیه پرداخته است. او در حالی که بر کامل شدن شریعت اسلامی با نزول این آیه تأکید می‌کند، به نکته مهمی اشاره دارد؛ اینکه تکمیل شریعت به معنای بسته شدن دروازه اجتهاد نیست. به عبارت دیگر، با وجود کامل شدن اصول دین و احکام اصلی اسلام، فقها و مجتهدان می‌توانند بر اساس اصول کلی اسلام به مسائل نوظهور پاسخ دهند. همچنین، فخر رازی معتقد است که پیامبر پس از نزول این آیه تنها ۸۱ یا ۸۲ روز (یا طبق برخی نقل‌ها هشتاد شب) زنده بوده‌اند (Amini, 1996).

دیدگاه فخر رازی به طور خلاصه:

- **تکمیل شریعت:** فخر رازی نیز همچون ابن کثیر بر کامل شدن شریعت اسلامی با نزول این آیه تأکید دارد.
- **بقاء باب اجتهاد:** او بر این باور است که با کامل شدن شریعت، در اجتهاد همچنان باز است و فقها می‌توانند درباره مسائل نوظهور فتوا صادر کنند.
- **توجه به زمان نزول:** فخر رازی، مشابه بسیاری از دیگر مفسران، به مقتضیات اجتماعی و شرایط زمانی نزول این آیه توجه ویژه‌ای دارد و معتقد است که این آیه در موقعیت ویژه‌ای نازل شده است.

تفاوت دیدگاه فخر رازی با ابن کثیر:

بقای باب اجتهاد: اصلی‌ترین تفاوت میان این دو مفسر این است که فخر رازی بر اهمیت باز ماندن باب اجتهاد تأکید دارد، در حالی که ابن کثیر به تکمیل شریعت و در نتیجه بسته شدن باب اجتهاد تمایل بیشتری نشان می‌دهد.

نقد دیدگاه فخر رازی:

تفسیر جامع‌تر: دیدگاه فخر رازی، به دلیل تأکید بر باز بودن باب اجتهاد، به نظر می‌رسد از دیدگاه ابن کثیر جامع‌تر و انعطاف‌پذیرتر باشد.

تکمیل شریعت: ابن کثیر معتقد است که با نزول این آیه، تمامی احکام و قوانین اسلامی تکمیل شده و دیگر هیچ حکم جدیدی به دین اسلام اضافه نخواهد شد.

فتح مکه: او بر این باور است که فتح مکه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ اسلام نقش داشته و با این رویداد، دین اسلام به اوج کمال خود رسیده است.

عدم اشاره به ولایت: ابن کثیر در تفسیر خود، به موضوع ولایت و امامت به صورت مستقیم اشاره‌ای نمی‌کند و این آیه را دال بر ولایت امیرالمؤمنین (ع) نمی‌داند.

نقد دیدگاه ابن کثیر:

دیدگاه ابن کثیر درباره این آیه با واکنش‌ها و انتقادات گسترده‌ای، به‌ویژه از سوی شیعه و برخی از اهل سنت، مواجه بوده است. از جمله این انتقادات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ناسازگاری با روایات: در منابع شیعه و حتی برخی منابع اهل سنت، روایات متعددی وجود دارد که بیان می‌کنند این آیه در روز غدیر خم، پس از اعلام ولایت امیرالمؤمنین (ع)، نازل شده است.
- مفهوم تکمیل شریعت به صورت عام: اگر این آیه به معنای تکمیل شریعت به شکل کلی و نهایی باشد، این پرسش مطرح می‌شود که چرا پس از نزول آن، احکام جدیدی مانند مسح بر خفین و قوانین مربوط به قصاص در اسلام وضع شده‌اند؟
- بی‌توجهی به سیره پیامبر: بررسی سیره پیامبر اکرم (ص) نشان می‌دهد که ایشان بارها در طول دوران نبوت خود به ولایت امیرالمؤمنین (ع) اشاره کرده و این موضوع را جزئی اساسی و جدایی‌ناپذیر از دین اسلام معرفی کرده‌اند.

دیدگاه ابن کثیر نسبت به آیه اکمال شریعت یکی از نظرات مطرح در میان اهل سنت است. با این حال، این دیدگاه با انتقادات جدی

- **روایات متعدد:** علامه طباطبایی، با توجه به شماری از روایات، به‌ویژه آنچه در منابع حدیثی شیعه آمده است، معتقد است این آیه در روز غدیر نازل شده است.

- **شأن نزول:** با مطالعه شأن نزول آیه و بررسی اوضاع تاریخی زمان پیامبر (ص)، به این نتیجه رسیده که کامل شدن دین به معنای تعیین جانشین برای پیامبر اکرم (ص) بوده است.

- **تفسیر لغوی:** وی از طریق تحلیل معنای لغوی کلمات آیه، به‌ویژه واژه "اکمال"، چنین برداشت کرده که کامل شدن دین نه فقط در تکمیل احکام فقهی، بلکه در تعیین ولایت و امامت نیز نقش دارد.

نقد دیدگاه علامه طباطبایی:

دیدگاه علامه طباطبایی در میان شیعیان از مقبولیت و تأیید فراوانی برخوردار است و بسیاری از مفسران شیعه آن را پذیرفته‌اند. با این وجود، همان‌طور که هر دیدگاهی قابل بررسی و ارزیابی است، این نظر نیز از چنین قاعده‌ای مستثنی نیست.

علامه طباطبایی با تکیه بر دلایل مستند و بهره‌گیری از روش‌های علمی، تفسیر جامع و دقیقی از آیه اکمال ارائه داده است. دیدگاه او به دلیل انسجام و استدلال‌های منطقی، مورد تأیید بسیاری از مفسران شیعه قرار گرفته است و جایگاه ویژه‌ای در تفسیر قرآن کسب کرده است.

تفاوت دیدگاه علامه طباطبایی با ابن کثیر و فخر رازی:

- **تأکید بر ولایت:** یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های دیدگاه علامه طباطبایی نسبت به ابن کثیر و فخر رازی، تأکید ویژه او بر نقش ولایت و امامت در تکامل دین است.

- **شأن نزول:** با بهره‌گیری از روایات و بررسی شأن نزول آیات، علامه طباطبایی به نتایجی متفاوت از دو مفسر دیگر، یعنی ابن کثیر و فخر رازی، دست یافته است.

ارتباط آیه اکمال با مفهوم ولایت و امامت اهل بیت (ع)

و تأثیر آن بر جامعه اسلامی

آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» از مهم‌ترین آیات قرآن کریم محسوب می‌شود که به موضوع کامل شدن دین اسلام اشاره دارد.

هماهنگی با واقعیت‌های تاریخی: در دیدگاه فخر رازی به شکلی بهتری نمایان است، زیرا پس از نزول این آیه، فقها و مجتهدان همواره به اجتهاد ادامه داده و احکام تازه‌ای را برای مسائل نوظهور استنباط کرده‌اند. در همین راستا، مفسران اهل سنت نیز برداشت‌های متفاوتی از آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» ارائه داده‌اند. به‌طور مثال، ابن کثیر بر تکمیل شریعت و بسته شدن مسیر اجتهاد تأکید دارد، در حالی که فخر رازی بر تداوم امکان اجتهاد اصرار می‌ورزد. این اختلاف نظرها نمایانگر پیچیدگی و چندلایگی تفاسیر قرآنی است، چراکه هر مفسر بر پایه درک و دریافت شخصی خود از آیات، دیدگاه خاصی مطرح می‌کند.

تفسیر علامه طباطبایی از آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»

علامه طباطبایی، از برجسته‌ترین مفسران شیعه، در تفسیر میزان به شکلی جامع به بررسی این آیه پرداخته است. او با استناد به روایات و شأن نزول آیه، بر این باور است که این آیه در روز غدیر خم و به دنبال خطبه معروف پیامبر اکرم (ص) درباره ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) نازل شده است.

دیدگاه علامه طباطبایی به صورت خلاصه:

- کمال دین از نگاه ولایت: علامه طباطبایی بر این باور است که دین اسلام وقتی به کمال خود می‌رسد که جانشین پیامبر اکرم (ص) مشخص شده و ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) اعلام گردد.
- جایگاه ولایت در دین: وی ولایت و امامت را از ارکان اساسی دین اسلام می‌داند و معتقد است که بدون پذیرش ولایت، دین به مرحله کمال نمی‌رسد.
- تکمیل نعمت الهی: از دیدگاه علامه طباطبایی، با تعیین ولایت، نعمت الهی بر مسلمانان به طور کامل تمام شده است.

دلایل علامه طباطبایی:

اهمیت امامت: این پیوند موجب شده که مسئله امامت و ولایت جایگاه ویژه‌ای در اندیشه اسلامی پیدا کند.

آیه اکمال به دلیل ارتباط مستقیمش با موضوع ولایت اهل بیت (ع)، از مهم‌ترین آیات قرآن کریم به‌شمار می‌رود. بحث و جدل‌های بسیاری در طول تاریخ اسلام پیرامون معنا و تفسیر این آیه انجام گرفته است. همچنین، این آیه به‌عنوان یکی از دلایل اصلی شیعه برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) مطرح گردیده و تأثیری عمیق در شکل‌گیری باورهای اعتقادی شیعه و سنی داشته است.

روایات مرتبط و تأثیر آن بر فهم آیه اکمال و ولایت اهل

بیت (ع)

آیه مبارکه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» از برجسته‌ترین آیات قرآن کریم به‌شمار می‌رود که به موضوع تکامل دین اسلام اشاره دارد. این آیه به دلیل پیچیدگی‌ها و نکات دقیقی که در بر دارد، همواره مورد بررسی و توجه ویژه مفسران و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. برای درک صحیح‌تر مفهوم این آیه و بررسی ارتباط آن با مسئله ولایت اهل بیت (ع)، لازم است به روایات و احادیثی که در این زمینه وارد شده‌اند نیز رجوع شود.

روایات و تأثیر آن‌ها بر تفسیر آیه اکمال

روایات مختلفی در مورد آیه اکمال وجود دارد که به طور کلی به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند:

روایاتی که بر ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) دلالت می‌کنند:

- **روایت غدیر:** یکی از برجسته‌ترین روایات مرتبط با این موضوع، واقعه غدیر خم است. در این رویداد، پیامبر اکرم (ص) با اعلام ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)، آیه اکمال دین را تلاوت کردند. این لحظه به طور واضح نشان‌دهنده ارتباط کامل شدن دین با ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) است.
- **روایات دیگر:** علاوه بر روایت غدیر، شواهد دیگر نیز وجود دارد که در آن‌ها پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)

این آیه به دلیل پیچیدگی‌ها و ابهاماتی که در مفهوم آن نهفته است، همواره نظر مفسران و عالمان اسلامی را به خود جلب کرده و در طول تاریخ اسلام به محل بحث‌ها و اختلافات فراوانی درباره تفسیر و معنای دقیق آن تبدیل شده است.

ارتباط آیه اکمال با ولایت و امامت اهل بیت (ع)

شیعیان بر این باورند که آیه اکمال به وضوح به واقعه غدیر خم و اعلام ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) اشاره دارد. آن‌ها با تکیه بر این آیه و روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، ولایت اهل بیت (ع) را از اصول بنیادی دین اسلام می‌دانند و معتقدند که ایمان بدون پذیرش ولایت کامل نخواهد شد.

دلایل شیعه برای این ارتباط عبارتند از:

شان نزول: شیعیان بر این باورند که آیه اکمال در روز غدیر خم، پس از اعلام ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)، نازل شده است. **کامل شدن دین:** از دیدگاه شیعیان، کامل شدن دین به تعیین جانشین برای پیامبر اکرم (ص) و معرفی ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) مرتبط است.

روایات: شمار زیادی از روایات رابطه میان آیه اکمال و ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) را تأیید می‌کنند.

تأثیر این ارتباط بر جامعه اسلامی

ارتباط آیه اکمال با ولایت اهل بیت (ع) تأثیرات عمیقی بر جامعه اسلامی به‌جا گذاشته که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **تفرقه و اختلاف:** تفاوت در تفسیر آیه اکمال، یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری اختلافات و تفرقه میان شیعه و سنی بوده است.
- **شکل‌گیری مذاهب اسلامی:** برداشت‌های متفاوت از این آیه، نقش بسزایی در پیدایش مذاهب گوناگون اسلامی داشته است.
- **اهمیت روایات:** روایات مربوط به آیه اکمال تأثیر چشمگیری در تکوین اعتقادات شیعه و سنی ایفا کرده‌اند.
- **تأثیر بر سیاست:** تفسیر این آیه مسیر سیاست و حکومتداری را در طول تاریخ اسلام به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است.

مختلفی از این آیه ارائه کنند. با این حال، باید مدنظر داشت که تمامی این روایات از اعتبار و سندیت کافی برخوردار نیستند و نیاز به دقت و بررسی موشکافانه دارند.

بحث

مقایسه تفسیر ابن کثیر از آیه اکمال با سایر مفسران

آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» از آیات برجسته قرآن کریم به شمار می‌رود و تفاسیر گوناگونی در ارتباط با آن ارائه شده است. مفسرانی چون ابن کثیر، فخر رازی، علامه طباطبایی و شیخ محمد عبده در تحلیل و شرح این آیه دیدگاه‌های متفاوتی مطرح کرده‌اند. در ادامه به بررسی و مقایسه نظرات این مفسران خواهیم پرداخت.

دیدگاه‌های مختلف در مورد آیه اکمال

۲- ابن کثیر بر این نظر است که با نزول این آیه، شریعت اسلامی به طور کامل تکمیل شده و دیگر نیازی به افزودن حکم جدیدی به دین اسلام نیست. او فتح مکه را نقطه‌ای تعیین کننده در تاریخ اسلام برمی‌شمارد و بر این باور است که با این رویداد، دین اسلام به کمال خود رسید.

۳- فخر رازی نیز بر تکامل شریعت تأکید دارد، اما برخلاف ابن کثیر معتقد است که با وجود کامل شدن شریعت، باب اجتهاد همچنان باز مانده است. او بر این باور است که فقها می‌توانند با تکیه بر اصول کلی اسلام، مسائل جدید را بررسی کرده و فتوا صادر کنند.

۴- علامه طباطبایی، با بهره‌گیری از روایات و شأن نزول آیه، بر این عقیده است که این آیه در روز غدیر خم، پس از خطبه معروف پیامبر اکرم (ص) در ارتباط با ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) نازل شده است. وی کامل شدن دین را به اعلام ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) و تعیین جانشین پیامبر اکرم (ص) مرتبط می‌داند.

به پیوند مستقیم آیه اکمال با ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) تأکید کرده‌اند.

۱- روایاتی که بر تکمیل شریعت دلالت می‌کنند:

- برخی روایات بر این نکته تأکید دارند که با نزول آیه اکمال، شریعت اسلامی به طور کامل تکمیل شده و احکام آن برای همیشه ثابت شده است.

این دسته از روایات بیشتر مورد استفاده اهل سنت قرار گرفته‌اند.

تأثیر روایات بر فهم معنای آیه اکمال

روایات مرتبط با آیه اکمال نقش مهمی در تبیین معنای این آیه و پیوند آن با موضوع ولایت اهل بیت (ع) داشته‌اند. این روایات برای شیعیان به نقطه اتکایی مبدل شده‌اند که نشان‌دهنده کامل شدن دین با اعلام ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) است. در مقابل، اهل سنت با استناد به برخی دیگر از روایات بر تکامل شریعت و عدم ضرورت وابستگی به ولایت یک فرد مشخص تأکید کرده‌اند.

به طور کلی، روایات در تفسیر آیه اکمال نقش زیر را ایفا کرده‌اند:

- **تبیین معنای آیه:** روایات به روشن‌تر شدن معنای بخش‌های مبهم آیه اکمال یاری رسانده‌اند.

- **ارتباط با ولایت:** روایات، پیوند روشن‌تری بین آیه اکمال و موضوع ولایت اهل بیت (ع) برقرار کرده‌اند.

- **تقویت اعتقادات:** روایات در تثبیت باورهای شیعه و سنی درباره آیه اکمال نقش مؤثری ایفا کرده‌اند.

- **زمینه‌سازی اختلاف:** تفاوت در روایات شیعه و سنی، از عوامل اصلی اختلاف در تفسیر این آیه بوده است.

روایات مرتبط با آیه اکمال نقش مهمی در تبیین معنای این آیه و ارتباط آن با مسأله ولایت اهل بیت (ع) داشته‌اند. این روایات شیعه و اهل سنت را یاری داده‌اند تا بر پایه اعتقادات و باورهای خود، تفاسیر

جدول ۱. مقایسه دیدگاه‌ها

مفسر	دیدگاه اصلی	نکات کلیدی
ابن کثیر	تکمیل شریعت با فتح مکه	بسته شدن باب اجتهاد، عدم اشاره به ولایت
فخر رازی	تکمیل شریعت با بقای باب اجتهاد	اهمیت اجتهاد، تطبیق دین با مسائل جدید
علامه طباطبایی	کامل شدن دین با ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)	اهمیت ولایت، استناد به روایات

همان‌طور که در جدول (۱) قابل مشاهده است، مفسران گوناگون بر جنبه‌های متفاوتی از آیه اکمال تمرکز کرده‌اند. عده‌ای بر تکمیل شریعت و گروهی دیگر بر اهمیت ولایت و اجتهاد تأکید داشته‌اند.

این اختلاف دیدگاه‌ها به عواملی همچون روش تفسیری، باورهای شخصی، شرایط تاریخی و اجتماعی و منابع مورد استفاده هر مفسر وابسته است.

شیعه: شیعیان باور دارند که دین اسلام با اعلام ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) در روز غدیر خم به تکامل رسیده است. آنان با استفاده از این آیه و روایات متعدد، ولایت اهل بیت (ع) را بخش اساسی و غیرقابل تفکیک دین اسلام می‌دانند و معتقدند بدون پذیرفتن این ولایت، ایمان شخص نمی‌تواند به کمال برسد.

اهل سنت: اهل سنت نیز بر کامل شدن دین تأکید دارند، اما برداشت‌های آن‌ها از این آیه متنوع‌تر است. برخی از آنان معتقدند که کامل شدن دین به معنای تکمیل شریعت و احکام اسلامی بوده و گروهی دیگر بر نقش و اهمیت جانشینی پیامبر (ص) تأکید دارند. با این وجود، اکثر اهل سنت ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) را به اندازه شیعیان جزء ضروری دین نمی‌شمارند.

تأثیرات کلی این آیه بر تاریخ اسلام: آیه اکمال یکی از محوری‌ترین موارد اختلاف میان شیعه و سنی در زمینه امامت و ولایت به شمار می‌آید. تفاسیر متنوع از این آیه، نقشی اساسی در شکل‌گیری فرقه‌های مختلف اسلامی ایفا کرده است و روایت‌های مربوط به آن نیز تأثیری برجسته در اعتقادات هر دو مذهب شیعه و سنی داشته‌اند. این آیه همچنین نقشی ملموس در سیاست و حکومتداری در تاریخ اسلام داشته و همواره از سوی مفسران و عالمان دین مورد توجه قرار گرفته است.

مهمترین تفاوت‌ها بین این مفسران عبارتند از:

تکمیل شریعت: آیا کامل شدن دین به مفهوم جلوگیری از اجتهاد و سطحی شدن فهم دین است یا اینکه همچنان درک عمیق و تفکر فقهی ادامه دارد؟

اهمیت ولایت: آیا ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) جزء اصلی و بنیادین دین کامل شده به شمار می‌آید؟

نقش عقل و اجتهاد: آیا در فرآیند فهم دین، عقل و اجتهاد همچنان جایگاه محوری دارند؟

تطبیق دین با زمانه: چگونه دین می‌تواند ضمن حفظ اصالت خود، به مسائل و نیازهای زمانه پاسخ‌گو باشد.

تفسیر آیه اکمال موضوعی است پیچیده و چندبعدی که هر مفسر با توجه به فهم، برداشت شخصی از آیات، روایات و شأن نزول، توضیح خاص خود را ارائه می‌کند. برای درک عمیق‌تر این مسئله، مطالعه بیشتر و مراجعه به منابع معتبر پیشنهاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

آیه شریفه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» همواره نقش محوری در مباحث مرتبط با ولایت اهل بیت (ع) در تاریخ اسلام ایفا کرده است.

آیه اکمال بدون شک یکی از برجسته‌ترین آیات قرآن کریم به‌شمار می‌آید که نقش چشمگیری در تاریخ اسلام و پیدایش و تکامل مذاهب گوناگون اسلامی ایفا کرده است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The blessed verse “Today I have perfected for you your religion” (al-yawm akmaltu lakum dīnakum) stands among the most debated Qur’anic texts because of its centrality in shaping theological and political structures within Islam. Scholarly exegesis has approached the verse from diverse historical and doctrinal vantage points, producing readings that both unify and divide the Muslim community. Early contextual investigations focus on the precise occasion of revelation, with two dominant settings emerging. One links the verse to the Farewell Pilgrimage on the plain of ‘Arafāt, portraying it as the divine declaration of Islam’s legal and moral completion (Ibn Kathir; Valizadeh, 2017). The other associates it with the event of Ghadīr Khumm, where the Prophet is reported to have publicly affirmed the wilāyah of ‘Alī ibn Abī Ṭālib, rendering the verse a formal endorsement of leadership succession (Dāstānī, 2014; Maybudi). These competing historical frames illustrate how textual ambiguity allowed different communities to anchor core identity claims in a single revelation. Classical Sunni exegesis—represented by Ibn Kathīr—tends to see the verse as sealing prophetic legislation and denoting that no new obligatory rulings would descend after this moment (Ibn Kathir). Shi‘i scholarship, exemplified by al-Ṭabāṭabā‘ī, interprets perfection (ikmāl) as inseparable from the formal appointment of the Prophet’s successor, thereby elevating wilāyah to a constitutive element of the religion’s wholeness (Mohammadi, 2022).

ابهامات موجود در این آیه به مذاهب اسلامی امکان داده که بر اساس اعتقادات و آموزه‌های خود، برداشت‌های گوناگونی ارائه کنند. این تفاوت‌های تفسیری منجر به بروز اختلافات و تنوع دیدگاه‌ها در میان مسلمانان شده و به گسترش تنوع مذهبی در جهان اسلام کمک کرده است.

In Sunni hermeneutics, Ibn Kathīr’s tafsīr frames the perfection of religion as the culmination of Islamic law and divine favor after key milestones such as the conquest of Mecca and the unification of the Arabian Peninsula under Islam (Alvārī, 2022). This approach views the verse as marking the end of major legal revelation and foreclosing the introduction of new religious obligations. The historical anecdotes he cites—such as the dialogue between ‘Umar ibn al-Khaṭṭāb and a Jewish interlocutor about the verse’s revelatory timing on a Friday at ‘Arafāt—bolster a reading where Islam achieved full doctrinal sufficiency (Ali Khan, 2017; Ibn Kathir). Yet this interpretation has faced sustained criticism, particularly from Shi‘i scholars, for not integrating numerous narrations that tie the verse to Ghadīr Khumm. Moreover, some have questioned the coherence of “legal completion” when certain jurisprudential developments—like interpretive ijtihād and secondary rulings—continued after the Prophet’s death (Najjār-zādagān & Fathullah, 2008). These critiques highlight how textual and historical evidence remains contested and how Ibn Kathīr’s legalist paradigm could not fully neutralize alternative theological claims.

Fakhr al-Dīn al-Rāzī advanced a more dynamic Sunni position by affirming the verse’s declaration of shari‘a completion while insisting that intellectual exertion (ijtihād) remains necessary to address emerging issues (Amini, 1996). His reading acknowledges a closed canon of fundamental revelation yet preserves interpretive elasticity, aligning with Sunni legal tradition’s long

history of juristic development. Al-Rāzī's distinction between sealed revelation and open legal reasoning gave Sunnism a way to harmonize divine finality with historical adaptability, an important nuance absent from strictly closure-oriented views. Still, Shi'i critique maintains that without explicit divine designation of leadership—interpreted as wilāyah—the claim of perfection remains incomplete. Thus, the al-Rāzī paradigm occupies a mediating space: it upholds legal completion while recognizing ongoing human engagement with law.

In contrast, Shi'i exegesis anchored in al-Ṭabāṭabā'i's *al-Mizān* weaves historical, linguistic, and narrational threads to argue that the verse descended at Ghadīr and announced 'Alī's divinely sanctioned leadership (Dāstānī, 2014; Mohammadi, 2022). Here "perfection" does not merely signify juridical closure but the safeguarding of Islam's authentic continuity through the imamate. Narratives of the Prophet raising 'Alī's hand and invoking divine favor and hostility are marshalled as proof that completion equals secured succession (Maybudi). This model interprets "favor" (ni'ma) as the collective security of faith, preserved by the infallible guidance of the Ahl al-Bayt. Shi'i scholarship thus turns the verse into a theological keystone linking Qur'anic proclamation to the lived institution of imamate, explaining sectarian consolidation around leadership debates. By integrating reports transmitted in both Shi'i and some Sunni sources, proponents contend that wilāyah is not an extraneous post-Qur'anic layer but part of the divine plan manifested in revelation itself (Esmailizadeh & Gholami, 2014).

These interpretive divergences have had lasting impact on Islamic intellectual history and communal boundaries. The Ghadīr-linked reading empowered Shi'i claims to religious and political legitimacy, positioning the imamate as integral to God's final message and reinforcing doctrinal self-definition. Sunni acceptance of the verse as legal completion without specific leadership designation reinforced alternative modes of governance and

theological flexibility about succession. Beyond sectarian identity, the debates influenced hermeneutical methods: Shi'i tafsīr privileges prophetic and imamic narrations and the principle of divinely mandated authority, while Sunni tafsīr leans toward philological, contextual, and consensus-based reasoning. Furthermore, modern scholarship, while often less polemical, recognizes that these classical trajectories shaped Muslim pluralism and produced sophisticated legal and theological systems (Al-Sa'di, 2020; Nazari, 2017). The very multiplicity of views reflects the Qur'an's capacity to generate meaning across centuries and communities.

Another critical dimension involves the narrational corpus surrounding the verse. Traditions vary not only about location and timing but also about implications for future legislation. Reports transmitted through companions such as Ibn 'Abbās, 'Umar, and Abū Sa'īd al-Khudrī emphasize finality and God's favor, while others link the verse to direct proclamation of 'Alī's guardianship and assert that no further divine obligation followed the Ghadīr event (Ali Khan, 2017; Ibn Kathir). Textual criticism of these reports, including isnād evaluation and cross-comparison of transmission chains, demonstrates both rich historical memory and contested reliability (Ahmadi Veysi Rad, 2016). Scholars such as Esmailizadeh have underscored the significance of *siyāq* (contextual flow) to resolve interpretive tension and caution against assuming narrative independence from surrounding verses (Esmailizadeh & Gholami, 2014). Such methodological work shows that beyond theology, this debate catalyzed advances in Qur'anic sciences, hadith studies, and historiography.

Ultimately, the verse "Today I have perfected for you your religion" continues to serve as a theological and communal fulcrum. It has shaped doctrines of divine law's closure, leadership legitimacy, and interpretive authority. Competing yet internally coherent exegetical models—legal finality versus wilāyah centrality, static shari'a versus dynamic ijtihād—reveal how a single

revelation became a site for identity formation, intellectual creativity, and sectarian differentiation. Appreciating this layered discourse not only clarifies past conflicts but also invites constructive inter-madhab dialogue today. Moving beyond polemics toward rigorous historical and philological analysis allows scholars to see how early Muslims negotiated scripture, authority, and community, and how later generations inherited and reframed those negotiations in new contexts.

References

- Ahmadi Veysi Rad, A. (2016). *A Critique and Review of the Doubts Surrounding the Verses of Guardianship from the Book The Days of Peshawar* [University of Qom]. Qom, Iran.
- Al-Sa'di, Q. M. H. (2020). *Abrogation (Naskh) in the Qur'an from the Viewpoint of Allameh Ma'refat and Muhammad Mutawalli al-Sha'rawi (A Comparative Study)* [Al-Mustafa International University, Imam Khomeini Higher Education Complex, Higher School of Qur'an and Hadith].
- Ali Khan, Z. (2017). *A Comparative Study of the Verse of Guardianship (Ayat al-Wilayah), the Verse of Proclamation (Ayat al-Balagh), and the Verse of Completion (Ayat al-Ikmal) in the Exegetical Views of Sheikh Tusi and Ibn Kathir* [Al-Mustafa International University].
- Alvāri, S. (2022). *A Study of the Mystical and Shi'a Thoughts of Sayyed Imad al-Din Nasimi Based on His Persian Diwan* [University of Isfahan]. Isfahan, Iran.
- Amini, A. (1996). *Al-Ghadir*. Dar al-Kutub al-Islamiya.
- Dāstāni, M. (2014). *A Philosophical Review and Critique of the Views of Fakhr al-Razi and Allameh Tabatabaei Regarding the Verses Pertaining to the Ahl al-Bayt (a.s.) in Tafsir al-Kabir and Al-Mizan* [Ferdowsi University of Mashhad]. Mashhad, Iran.
- Esmailizadeh, & Gholami. (2014). The Role of Context (Siyāq) in the Exegesis of the Verse of Completion (Ayat al-Ikmal). *Hosna*, 23(6), 37-68.
- Fakhr, a.-R. *Al-Tafsir al-Kabir (The Great Exegesis)*.
- Ibn Kathir. *Tafsir al-Qur'an al-'Azim (Exegesis of the Great Qur'an)* (Vol. 3).
- Maybudi. *Kashf al-Asrar wa 'Uddat al-Abrar (Unveiling the Secrets and Preparation of the Righteous)*.
- Mohammadi. (2022). A Comparative Study of the Verse of Completion (Ayat al-Ikmal) from the Perspectives of Fakhr al-Razi and Allameh Tabatabaei (r.a.). *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 4(1), 175-205.
- Najjārzādagān, & Fathullah. (2008). A Comparative Study of the Exegesis of the Verse of Completion with an Emphasis on a Critique of the Debates Concerning the Shi'a View. *Journal of Qur'anic and Hadith Sciences Research*, 5(1), 131-159.
- Nazarī, N. (2017). *The Effect of Theological Preconceptions on the Translation of the Qur'an into English by Three Translators: Mr. Qara'i (Shi'a), Mr. Yusuf Ali (Sunni), and Mr. Arberry (Christian)* [University of Qur'anic Sciences and Teachings]. Shiraz, Iran.
- Rasouli Karharoudi, A. (2021). *A Formalist Study and Analysis of Surahs Ta Ha and Al-Anbiya'* [Arak University]. Arak, Iran.
- Valizadeh, H. (2017). *A Comparison of the Theological Views of Sheikh Mufid and Abu Bakr al-Baqillani on Monotheism (Tawhid) and Prophethood* [Hakim Sabzevari University]. Sabzevar, Iran.